



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





* پیام مسجد (۱۹)

* شمیر ولایت

* ویژه ائمه محترم جماعات





مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان

واحد آموزش و پژوهش

نشانی: مشهد، حرم مطهر، دوربرگردان طبرسی، جنب

بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ساختمان مرکز

مدیریت حوزه علمی خراسان،

طبقه اول، مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۲۸۱۷۴۴

رایانامه: INFO@MASJEDKH.IR

پایگاه اطلاع رسانی: WWW.MASJEDKH



*** فهرست**

- ۶ خانواده از دیدگاه اسلام.
- ۸ حسن ظن به خدا.
- ۱۰ تبرّی و برائت از مشرکین.
- ۱۳ آیه شهادت؛ علم امام علیه السلام.
- ۱۶ درس‌هایی از زندگانی امام محمد باقر علیه السلام.
- ۱۹ درس‌هایی از زندگانی امام محمد باقر علیه السلام.
- ۲۱ فضائل و اعمال شب و روز عرفه.
- ۲۴ برداشت‌هایی از دعای عرفه.
- ۲۸ فضایل و اعمال روز عید قربان.
- ۳۱ اسوه و الگو بودن معصومین علیهم السلام.
- ۳۴ تفاوت معجزه با سایر خوارق عادات.
- ۳۶ درس‌هایی از زندگانی امام هادی علیه السلام.
- ۳۸ درس‌هایی از زندگانی امام هادی علیه السلام.
- ۴۰ آیه ولایت.
- ۴۳ آیه تبلیغ.
- ۴۶ اکمال دین و اتمام نعمت.
- ۵۰ اخلاص در عمل (از علی آموز اخلاص عمل).
- ۵۳ شکر گزاری.
- ۵۶ نعمت امنیت.
- ۵۹ استقامت و پایداری در راه ولایت و امامت.
- ۶۲ گستره و اهمیت دعا.
- مباهله سندی بر حقانیت و جایگاه امیر المؤمنین و اهل بیت
 ۶۴ علیهم السلام.
- ۶۸ عصمت ائمه علیهم السلام.
- ۷۱ آسانگیری بر مردم و دوری از کارهای پست.
- ۷۳ دوری کردن از خصوصیات بدترین آدم‌ها.
- ۷۵ چگونه با خطاهای دیگران برخورد کنیم؟
- ۷۷ اخلاق کسب و کار.



* مقدمه

۱۴۰۰ سال پیش، بزرگترین اجتماعی که تا آن زمان مسلمانان به خود ندیده بودند اتفاق افتاد. آخرین حج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. به بلاد مختلف نامه نوشته اند و بر مأذنه ها اعلام کرده اند. امسال رسول خدا در حج شرکت می کنند هر که توانایی دارد عازم حج شود، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از رفتن می گویند. می خواهند مطلبی را به گوش تمام مسلمانان برسانند. «من به زودی از میان شما خواهم رفت و دو شیء گرانبها را نزد شما به جای می گذارم. قرآن و عترتم، این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند. آگاه باشید تا هنگامی که از این دو پیروی کنید هرگز گمراه نخواهید شد». در کنار زمزم^۱، عرفات^۲ و مسجد خیف^۳. تکرار این سخن شریف حکایت از جایگاه سرنوشت ساز آن دارد. اکنون دیگر همه می دانند که بزرگترین و آخرین رسول الهی به زودی به نزد پروردگارش خواهد رفت، اما اتفاق بزرگتری در راه است. اتفاقی که جای هیچ شک و شبهه ای باقی نمی گذارد. اتفاقی که حجت را بر همگان تمام می کند. اتفاقی که سرنوشت رسالت (فإن لم تفعل فما بلغت رسالته) به آن گره خورده است، بلی، غدیر در راه است.

۱ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۲-۹۹.

۲ - الترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۶۲۱، ح ۳۷۸۶.

۳ - ینابیع الموده، ج ۱، ص ۹۷.

* اول ماه ذی الحجه

مناسبت: سالروز ازدواج حضرت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه (علیها السلام).

موضوع: خانواده از دیدگاه اسلام.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا
وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ^۴

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید.

نکته‌ها

● انسان همانطور که وظیفه دارد برای تکامل خود تلاش کند باید در جهت تکامل خانواده نیز کوشا باشد.

● آشنا نمودن خانواده با حدود و تکالیف الهی موجب خشنودی خداوند متعال می‌گردد در قرآن کریم حضرت اسماعیل به این علت مورد مدح خداوند متعال قرار گرفته است آنجا که می‌فرماید: وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا^۵
و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده بود.

● باید به فرزندان در انجام کارهای خیر کمک کرد

۴- التحريم ، ۶.

۵- مريم، ۵۵.



و جالب این است که یکی از راههای کمک به فرزند در انجام کارهای خیر این است از خطاهای او گذشت کنید و برای او دعا کنید: رَحِمَ اللهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ وَ هُوَ أَنْ يَغْفُوَ عَن سَيِّئَتِهِ وَ يَدْعُوَ لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللهِ^۶

● مهربانی با خانواده و اخلاق نیکو از آثار ایمان است چنانکه پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمایند:

أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ^۷

● پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با محبت ترین مردم به خانواده خود بود، أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي^۸

● امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام بسیار این عبارت را می گفتند: إِنْ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللهِ أَسْبَغَكُمْ عَلَى عِيَالِهِ^۹ هر کس بیشتر به همسرش برسد خدا از او راضی تر است.

● اگر خدمت به خانواده بدون تکبر باشد باعث بخشیده شدن گناهان کبیره می شود خداوند متعال به هر کسی که به همسرش در خانه کمک کند پاداشی نا محدود می دهد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: مَنْ لَمْ يَأْتَفْ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَ يُطْفِي غَضَبَ الرَّبِّ^{۱۰}

۶- بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۸.

۷- بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۷.

۸- همان.

۹- الکافی ج ۱۵، ص ۱۷۳.

۱۰ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲.



* دوم ماه ذی الحجه

موضوع: حسن ظن به خدا.

شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا (علیه السلام) اینگونه نقل می کند:

امام صادق (علیه السلام) احوال یکی از همنشینانشان که مدتی بود دیده نمی شد را از اصحاب پرسیدند. آنها پاسخ دادند که مدتی است در بستر افتاده و مریض است. حضرت به عیادت او رفتند و بر بالین او کنار سرش نشستند.

حضرت فرمودند:

أَحْسِنُ ظَنِّكَ بِاللَّهِ

گمان خود را در باره خداوند متعال نیک گردان و نیک بیندیش؛

او پاسخ داد: اما گمانم به خدا در باره خود البته نیکو است، لکن غصه ام برای دختران بی سرپرستم می باشد، و مرا مریض نداشته مگر فکر و غم آنان.

امام علیه السلام فرمودند:

الَّذِي تَرْجُوهُ لِتُضْعِفَ حَسَنَاتِكَ وَ مَحْوِ سَيِّئَاتِكَ
فَارْجُهُ لِإِصْلَاحِ حَالِ بَنَاتِكَ
از همان کس که امید آن داری که حسنات تو را بیفزاید و گناهان تو را محو سازد از همان کس اصلاح کار فرزندان را امید دار.

خداوند متعال به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: قُلْ لِّأَبَاءِ



الْبَنَاتِ لَا تَضِيقَنَّ صُدُورُكُمْ عَلَيَّ فَاقْتِهِنَّ فَإِنِّي كَمَا
خَلَقْتُهُنَّ أَرْزُقُهُنَّ. ۱۱

به پدران دختران بگو: دل نگران ایشان نباشید و از فقر و تنگدستی آنان رنج نبرید که من همان طور که آنها را خلق کرده‌ام همان گونه روزی خواهم داد.

نکته‌ها

● هر گونه اندوه و پریشانی که سبب آن اندیشه در نیازهای مادی و چگونگی رفع آنها باشد، ناشی از بدگمانی به خداوند و تردید در تدبیر حکیمانه اوست.

● باید در همه شئون زندگی محدود دنیا و زندگی نامحدود و حقیقی پس از آن، به الطاف خداوند مهربان، امید بست و فقط به دست او چشم داشت.

● خداوند تمام نیازهای مادی و غیر مادی آدمی را پیش از آمدن او به خانه کوچک دنیا، در عالمی که از دسترس هر تغییر و تباهی مصون است، فراهم آورده و مهیا کرده است.

● اگر انسان در بزرگی و عظمت خلق کردن و هستی بخشی خداوند تفکر کند، روزی دادن به آنچه خلق شده را خیلی سهل و آسان می یابد.



* سوم ماه ذی الحجه

مناسبت: نزول جبرئیل و ردّ ابوبکر از ادای سوره براءت و تسلیم آن به امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

موضوع: تبرّی و براءت از مشرکین.

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۲

(این آیات) اعلام بیزاری (و عدم تعهد) است از طرف خدا و پیامبرش، نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته‌اید.

نکته‌ها

- فتح مکه یک فتح نظامی بود و به موجب آن، قدرت نظامی و حتی قدرت معنوی اسلام تثبیت شد ولی هنوز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کفار با شرایط صلح زندگی می‌کرد، قرار داد صلح بسته بود و لذا آنها هم حق داشتند در خانه کعبه طواف کنند و در مکه باشند.
- در سال نهم هجری سوره براءت نازل شد و اعلام گردید که از امروز دیگر کفار حق ندارند در مراسم حج شرکت کنند و محیط حرم اختصاص به مسلمین دارد پیامبر نامه‌ای نوشتند و قرار شد تا کسی برود و این نامه را در دهم ذی‌الحجه و در سرزمین منا برای مشرکین بخواند



شیخ مفید ره این ماجرا را چنین نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ ابو بکر را فرستاد تا آیه برائت را بر مشرکین بخواند. چون پاسی از شب گذشت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بسوی او فرستاد و فرمود: برائت را از وی بستان و به من باز گردان. امیر المؤمنین علی (علیه السلام) به سوی او روان شد و برائت را از او گرفت و به حضور رسول خدا ﷺ باز گرداند، چون ابوبکر نزد آن حضرت آمد گریست و گفت: یا رسول الله ﷺ آیا خلافتی از من سر زده یا آیه‌ای در باره‌ام نازل گشته است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: آیه‌ای در باره تو نازل نشده لیکن جبرئیل (ع) از جانب خداوند (عزّ و جلّ) نزد من آمده، گفت: «يَا مُحَمَّدُ لَا يُودِي عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ» هیچ کس از جانب تو نمی‌تواند پیامی برساند جز خودت یا مردی که از تو باشد، و عَلِيُّ مَنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ (علی از من است و من از علی هستم)، هیچ کس جز علی از جانب من پیام نرساند و مطلبی ادا نکند.»

● امیر المومنین علی (علیه السلام) خود شرایط خطرناک این پیام رسانی را اینگونه بازگو می‌کنند به مکه آمدن در حالی که تمام مشرکین مکه از فرط عصبانیت بحالی بودند که اگر می‌توانستند مرا قطعه قطعه کنند و هر قطعه‌ای را بر کوهی نهند حتما این کار را می‌کردند و حتی حاضر بودند جان خود و خانواده خود را نیز در این راه بدهند در این حال نامه رسول خدا ﷺ را برای

ایشان خواندم.^{۱۳}

● امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: عَلَّةُ إِسْقَاطِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ سُورَةِ بَرَاءَةِ أَنْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَانٌ وَ الْبَرَاءَةُ كَانَتْ إِلَى الْمُشْرِكِينَ فَأُسْقِطَ مِنْهَا الْأَمَانُ^{۱۴} یعنی نمی شود کلامی که مفادش براءت است را با جمله‌ای آغاز کرد که افاده رحمت و امان می کند.



۱۳- بحار الأنوار، ج ۳۸، ص: ۱۷۲ و الخصال، ج ۲، ص: ۳۶۹.

۱۴- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص: ۱۴۵.

* پنجم ماه ذی الحجه

موضوع: آیه شهادت؛ علم امام.

شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ
قَائِمًا بِالْقِسْطِ^{۱۵}

خداوند گواهی می دهد در حالیکه قیام به قسط و عدل دارد بر آنکه هیچ معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان علم نیز شهادت به وحدانیت او می دهند.

نکته‌ها

● غیر از ذات مقدّس خداوند و فرشتگان که از عالم علوی هستند هیچیک از مخلوقات عالم سفلی از جماد و نبات و حیوان و جنّ، و همچنین جمیع افراد بشر را چنین قدرتی نیست که بتوانند بر وحدانیت او گواهی دهند و او را به حقّ المعرفه بشناسند مگر صاحبان علم و واصلان به معرفت و توحید او.

● دین مجموعه ای از احکام و قوانینی است که انسان را از دغدغه‌ها و وسوسه‌ها به آرامش مطلق و سکون پر از بهجت و سرور حرم خداوندی هدایت می کند، حال آیا ممکن است که حاکمان و پرچم داران و پیشوایان این قافله از اولوا العلم نباشند یعنی معرفت به هدف و مقصود نداشته و آشنا به مقدمات و طریق سلوک نباشند و خودشان این راه را نپیموده باشند و نتوانند این قافله را در راهی مستقیم به مطلوب نهایی که

همان لقاء الله است برسانند؟

● بله علم و عرفان خداوندی از شرائط اولیه رهبری جامعه انسانی است لذا تعیین أعلم افراد اُمَّت برای زمامداری، وظیفه حتمی رسول الله ﷺ است؛

● چگونه ممکن است که پیامبر از دنیا برود و أعلم اُمَّت خود را به عنوان زمامداری امور و رهبری تعیین نکند و این امر را به انتخاب واگذارد که با بودن أعلم، غیر أعلم سرکار بیاید و هدایت جامعه را بر عهده بگیرد؟

إسلام که بنای آن دعوت به توحید و عرفان حضرت حق است و تمام نردبان‌های وصول به این مقام را علم قرار داده است و معرفت به کتاب و سنت را تنها راه عمل برای رسیدن بدین هدف می‌داند و پیامبرش را به تعلیم و تزکیه توصیف می‌نماید و صدها آیه در قرآن کریم در دعوت به علم و دانایی بیان می‌دارد آیا ممکن است یکباره پا روی تمام این اصول بگذارد؟ و این بنیاد را از پی واژگون کند؟ و اختیار اُمَّت را پس از پیامبری که عالم و عارف به ذات اقدس حق و تمام عوالم وجود است، به شخص غیر أعلم و جاهل نسبی واگذارد؟ و یا به اُمَّت اختیار دهد که خود برای خود خلیفه‌ای تعیین کنند در حالیکه می‌دانیم این اُمَّت هم از همین افراد گرفتار به هوی و هوس تشکیل شده است؟!

● أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیه السلام



به اتفاق همه شیعه و سنی و حتی خوارج و نواصب و حتی یهود و نصاری و مجوس، أعلم و أعرف اُمَّت رسول خدا پس از پیامبر به مقام توحید و أسماء و صفات حق و قرآن کریم و سنت رسول خدا و احکام و قوانین اسلام و حکم و حکومت و قضاوت و اتصال به عالم ملکوت بوده‌اند.

● روزی عُمَر بن خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام گفت ای ابوالحسن تو در حکم و قضاوت و جواب دادن به مسائلی که از تو سؤال می‌شود عجله می‌کنی. علی دست خود را پیش آورد و گفت انگشتان این دست چند عدد است؟ عمر گفت پنج عدد. امیر المؤمنین گفت: ای ابو حَفْص چرا در جواب عجله کردی؟

● عمر گفت: برای من مخفی نبود؛ حضرت گفت: من هم در چیزی که برایم مخفی نیست سرعت می‌نمایم.^{۱۶}

● در آیه مورد بحث می‌فرماید: «صاحبان علم شهادت می‌دهند به اینکه جز او معبودی نیست» برای اینکه هر صاحب علمی از آیات آفاقی و انفسی خدا، یکتایی خدا را به یقین درک می‌کند زیرا این آیات تمام در عقول آنان رسوخ می‌نماید.^{۱۷}

● امام باقر (علیه السلام) فرمودند: مراد از «اولوا العلم» در آیه، انبیا و اوصیا هستند.^{۱۸}

۱۶- مناقب، جلد ۱، ص ۹۵۲

۱۷- ترجمه المیزان، ج ۳، ص: ۱۷۹.

۱۸ - تفسیر نورالثقلین.

* ششم ماه ذی الحجه

مناسبت: شب شهادت امام محمد باقر علیه السلام

موضوع: درس‌هایی از زندگانی امام محمد باقر علیه السلام (۱)

نکته‌ها

● پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جابر بن عبد الله انصاری فرمودند: جابر! تو چندان زنده می مانی که فرزندم محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب را، که در تورات به باقر معرفی شده است، می بینی. هرگاه دیدارش کردی سلام مرا به او برسان.^{۱۹}

● وقتی از امام زین العابدین علیه السلام پرسیده شد: امام بعد از شما کیست؟ فرمود: محمد اَبْنِی، یَبْقِرُ الْعِلْمَ بَقْرًا. فرزندم محمد، که دانش را ژرف می شکافد.^{۲۰}

● امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: إِنَّ الْحَقَّ اسْتَصْرَخَنِي وَ قَدْ حَوَاهُ الْبَاطِلُ فِي جَوْفِهِ، فَبَقَرْتُ عَنْ خَاصِرَتِهِ وَ اَطَّلَعْتُ الْحَقَّ عَنْ حُجْبِهِ حَتَّى ظَهَرَ وَ اَنْتَشَرَ، بَعْدَ مَا خَفِيَ وَ اسْتَتَرَ. حق، که باطل، آن را در شکم خود گرفته بود، از من فریاد طلبید، و من پهلوی باطل را

۱۹- بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۲۳.

۲۰- الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳- ربيع الأبرار، ج ۲، ص ۶۰۳.



شکافتم و حق را از میان پرده های شکم آن درآوردم و پس از آن حق که پوشیده و پنهان بود، آشکار و منتشر شد. ۳.

● در زمان امامت امام محمد باقر علیه السلام زمینه برای نشر علوم دینی تا اندازه‌ای فراهم شد، زیرا در اثر فشار بنی‌امیه، احادیث فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) از دست می‌رفت و با این‌که برای احکام هزارها حدیث لازم است حتی از اخباری که از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به وسیله صحابه نقل شده بود، بیش از پانصد حدیث باقی نمانده بود.

در نتیجه واقعه جان‌گداز کربلا و در اثر مساعی سی و پنج‌ساله امام سجاد علیه السلام گروه انبوهی از شیعه به وجود آمدند، ولی از فقه اهل بیت، تهیدست بودند. امام محمد باقر (علیه‌السلام) از فرصت دوران رو به ضعف بنی‌امیه استفاده فرمود و به نشر علوم اهل بیت و فقه اسلامی پرداخت و دانشمندان زیادی را از مکتب خویش تحویل جامعه داد.

● حضرت امام محمد باقر، سلام الله علیه وقتی که می‌خواستند فوت کنند وصیت کردند که ده سال (ظاهراً) که در منی اجیر کنند کسی را، کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه‌ای است؟ حضرت باقر احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر می‌خواست چه کند گریه را؟ آن وقت هم در منی چرا؟ ایام حج و منی. این همین نقطه اساسی، سیاسی، روانی،



انسانی است که ده سال در آنجا گریه کنند. خوب مردم می آیند می گویند چه خبر است، چیست؟ می گویند (جریان) این طور بوده. این توجه می دهد نفوس مردم را به این مکتب. و ظالم را منهدم می کند و مظلوم را قوی می کند.»^{۲۱}



* هفتم ماه ذی الحجه

مناسبت: روز شهادت امام محمد باقر (علیه السلام)

موضوع: درس‌هایی از زندگانی امام محمد باقر (علیه السلام) (۲)

نکته‌ها

روزی یک نفر از صوفیان ساکن مدینه بنام محمد بن منکدر به امام محمد باقر (علیه السلام) برخورد کرد. دید در هوای گرم آن حضرت به دوش دو نفر از غلامان و با کمک آنها به سوی نخلستان می‌رود. با خود گفت: آیا این معنای زهد است؟! الان می‌روم و او را نصیحت می‌کنم. پیش آمد و گفت: در این هوای گرم، حرکت با این کیفیت برای وصول بدنیا سزاوار نیست! اگر در اینحال مرگت فرا رسد در پیشگاه پروردگار چه خواهی گفت؟ حضرت توقف نموده رو کردند به آن مرد و گفتند: اگر مرگم در اینحال برسد، در بهترین حالی که در راه انجام وظیفه و کسب مال حلال برای خود و عیال و حفظ آبرو و زندگی کفاف می‌گذرد، رسیده است و الحمدلله در پیشگاه خداوند مأجور و مثاب خواهیم بود؛ من از مرگ، بیم دارم در صورتیکه به من در حال معصیتی از معاصی خدا وارد شود.

گفت: عجب! من خواستم در این امر تو را اندرز دهم تو مرا نصیحت کردی و اندرز دادی.^{۲۲}

● به دنبال کسب حلال بودن امری واجب است و از

برترین عبادت‌هاست، در روایات آمده است اگر کسی برای کسب حلال تلاش کند ثوابش بیشتر از مجاهدت در راه خداست.

● امام (علیه السلام) فرمودند: پدرم فراوان ذکر خدا می‌گفت، من به‌مراه او می‌رفتم و او ذکر خدا می‌گفت، با او غذا می‌خوردم او ذکر خدا می‌گفت، و (گاهی) با مردم گفتگو می‌کرد ولی آن از ذکر خدا بازش نمی‌داشت و من می‌دیدم زبانش را که چسبیده بکامش بود و می‌گفت: «لا اله الا الله» و پیوسته ما را یک جا جمع می‌کرد، و ما را بذکر خدا فرمان می‌داد تا آفتاب بزند، و هر کدام ما که خواندن (قرآن) می‌دانستیم دستور بخواندن می‌داد، و هر کدام نمی‌دانست او را به ذکر فرمان می‌داد و می‌فرمود: «در هر خانه‌ای که قرآن خوانده شود و ذکر خدای عز و جل شود برکت آن خانه زیاد گردد، و فرشتگان در آن خانه آیند، و شیاطین از آن دوری کنند، و برای اهل آسمان بدرخشد چنانچه ستاره فروزان برای اهل زمین می‌درخشد، و (اما) خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نشود و خدا در آن خانه ذکر نشود برکتش کم شود و فرشتگان از آن دوری کنند و شیاطین در آن خانه در آیند.»^{۲۳}

* هشتم ماه ذی الحجه

مناسبت: شب عرفه.

موضوع: فضائل و اعمال شب و روز عرفه

نکته‌ها

● شب نهم ماه ذی الحجه از شب‌های متبرک و شب مناجات با قاضی الحاجات است و توبه در آن شب مقبول و دعا در آن مستجاب است.

● در شب عرفه هر دعای خیری که انسان بکند به اجابت می‌رسد؛ و برای کسی که در شب عرفه اطاعت الهی را بکند و اعمال صالحه انجام دهد، معادل ۱۷۰ سال اطاعت و عبادت است؛ اعمال صالح برابر ۱۷۰ سال عبادت است.

این عظمت شب عرفه را می‌رساند. لذا این شب را باید قدر دانست.

● اولین مسأله‌ای که درباره این شب تاکید شده (دعا کردن) است و در روایت دارد که دعا کنید! دعای خیر کنید! و بدانید که این دعاها به اجابت می‌رسد. مقید باشید که در این شب، مشغول غیر عبادت نباشید! کاری کنید که اشتغالات کنار برود تا بتوانید به سوی عبادات و صالحات بروید.

● وقتی چنین معادله‌ای هست که عبادت این شب مانند عبادت ۱۷۰ ساله است، خیلی انسان باید

مراقبت و جدیت داشته باشد. این خیلی قابل توجه است، چون این شب یکی از بزرگترین فرصت‌هایی است که ما داریم.

● درباره دعا کردن روایتی از امام محمدباقر (علیه السلام) آمده است که حضرت فرمودند: سریعترین دعایی که به هدف اجابت می‌رسد، دعایی است که یک برادر مؤمن، برای برادر مؤمن دیگرش می‌کند و پشت سر او برایش از خدا خیر می‌خواهد؛ نه در حضورش. یعنی هر کس برای دیگری دعا کند، به سرعت به اجابت می‌رسد.

وقتی این شخص شروع می‌کند به دعا کردن برای برادر مؤمنش و پشت سر او، آن فرشته‌ای که برای گرفتن دعاها موکل شده است، جواب می‌دهد: بله! (و لک مثلاًه) یعنی این چیزی که برای برادرت خواستی، برای خودت دو برابرش برآورده شد. یعنی همین که برای دیگری خیر خواستی و دعایش کردی، برای خودت دو برابرش منظور و مستجاب می‌شود.

● روز عرفه هم، روز امید خوشبختی برای همه است؛ روایتی از امام زین العابدین (علیه السلام) محدث قمی در مفاتیح نقل کرده است؛ در آن روایت آمده است که روز عرفه بود و حضرت دیدند که سائلی دارد از مردم، یعنی غیر خدا، درخواست می‌کند؛ حضرت به او فرمود: وای بر تو! در چنین روزی از غیر خدا تقاضا و درخواست می‌کنی؟! و حال آنکه امید می‌رود در چنین روزی فضل الهی



شامل طفل‌هایی شود که در رحم مادر هستند. امید است که اینها خوشبخت و سعادت‌مند شوند.

● حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر کسی در ماه مبارک رمضان مورد مغفرت الهی قرار نگیرد غفران برای او نیست مگر آنکه عرفه را درک کند.

از این روایت دو مطلب به دست می‌آید: یکی، عظمت ماه مبارک رمضان از نظر گسترش مغفرت الهی است که همه را در بر می‌گیرد. دوم، عظمت روز عرفه است.

● شب و روز عرفه مخصوص در خانه خدا رفتن است و از او خواستن؛ چه حاجت‌های مادی را و چه معنوی را، همه را از او بخواهیم. چون در ساعت شب و روز عرفه برد دعا خیلی زیاد است. بخصوص درباره دیگران اگر دعا کنید، خدا چند برابر به شما اعطا می‌کند، عزیزان دعا برای سلامتی و ظهور مولایمان امام زمان عج الله فرجه الشریف و سلامتی و طول عمر مقام معظم رهبری ولی امر مسلمین و پیروزی جبهه حق علیه جبهه کفر و استکبار و نابودی تکفیری‌های تروریست و مزدور را فراموش نکنید.

* نهم ماه ذی الحجه

مناسبت: روز عرفه

موضوع: برداشت‌هایی از دعای عرفه.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ. ۲۴

آنچه قضا و اراده الهی بدان تعلق گرفته باشد توسط هیچ موجودی قابل دفع و بازگشت نیست و هیچکس و هیچ چیز توان تغییر دادن خواسته خداوند را ندارد.

نکته‌ها

● روشن است که مغلوب و مقهور سیطره الهی بودن، خصوصیتی است که نمی‌تواند از مخلوق او جدا گردد و این چنین در بندِ علت بودن، تمام ذات معلول را در برگرفته است. البته این به معنای مجبور بودن انسان در افعال ارادی‌اش نیست.

اما سؤالی که در مورد این فقره از دعای حضرت اباعبدالله (علیه السلام) مطرح است این است که چرا حضرت، خداوند را برای این حتمی بودن قضا و دافع نداشتن آن، حمد گفته اند و به ثناگویی آن ذات بی‌مانند به خاطر این صفت پرداخته اند؟

پاسخ این است که این حمد و سپاس هم به خاطر کمال بودن این ویژگی «دافع نداشتن قضا» برای خداوند است، هم نافع بودن آن برای بندگان.



چون خداوندی که در اراده هایش متأثر باشد و موجوداتی غیر از او، بتوانند تصرف در قضا و حکم او داشته باشند، قطعاً آن خدا ناقص و ضعیف می باشد و در کمال قدرت به سر نمی برد و شایسته نام خدایی نیست، پس خداوندی که «لیس لقضائه دافع» شایان سپاس است.

هم چنین اگر خواست خداوند تابع تصمیم های دیگران بود و آن دیگران هم منافع متفاوت و احیاناً متقابل دارند، هیچکدامشان به مطلوب خویش نائل نمی شدند، لذا استقلال اراده خداوند حکیم و نفوذناپذیری آن، برای تمام موجودات، سود آفرین تر خواهد بود.

خداوند متعال نیز در آیه ۷۱ سوره مؤمنون به این حقیقت اشاره می فرماید:

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ
وَمَنْ فِيهِنَّ.

و اگر حق و واقع تابع هواهای آنها می شد، بی تردید آسمان ها و زمین و هر کس (و هر چیزی) که در آنهاست فساد (حدوثی) می یافتند.

● در فراز دیگری حضرت می فرمایند:

لَمْ يَمْنَعِكْ جَهْلِي وَ جُرَّاتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي عَلَى
مَا يَقْرَبُنِي إِلَيْكَ وَ وَقَفْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ فَاِنْ
دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَ اِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَ اِنْ أَطَعْتُكَ
شَكَرْتَنِي وَ اِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ ذَلِكَ اِكْمَالًا



لَا نُعْمِكِ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا أَلَيَّ.

خدایا، نادانی من، سبب نشد تا تو مرا به آنچه نزدیک کننده من به توست راهنمایی نکنی و از مقرّبات آگاهم ننمایی، همچنان که گستاخی من مانع نشد تا مرا نسبت به انجام آنچه موجب قرب به توست موفق نگردانی. اگر فقط تو را خواندم پاسخم گفتی و اگر فقط از تو خواستم عطایم کردی. اگر مطیع و فرمان بردار تو بودم ثنایم گفتی و چون ثناگویت شدم، جانم را سعه بخشیدی و خودم را افزونی دادی.

خدایا، دعوت من و اجابت تو، سؤال من و عطای تو، اطاعت من و پاداش تو، شکر من و افزون بخشی تو، همه و همه، مصداقی است از نعمت ها و احسان تو بر من که اینگونه به کمالشان رساندی.

● هیچ مانعی در برابر رحمت فراگیر و دست باز خداوند، تاب مقاومت ندارد و لطف و عنایت او توسط هیچ جهل و عصیانی محدود نمی گردد.

اگر جاهلانه رفتار کردیم، او عالمانه راه را نشانمان می دهد و اگر گستاخانه گردن فرازی نمودیم و سر پیچیدیم، مهربانانه دست گیری می کند و به سوی خویش می کشاند.

● هر گاه فقط تو را خواندم، بی جواب نماندم. پس اگر تو را خواندم و بی جواب ماندم یا تو را نخواندم یا بی جواب نماندم. یا به غیر از تو دلبسته و امیدوار بودم و از هرچه جز توست دل نبریدم، و یا جان من





پاسخ تو را پذیرفته ولی این ناپاکی چشم و گوش
منست که توان لذت بردن از اجابت دریافت شده تو
را ندارد.

خداوند پاداش شکر را «جان افزونی» قرار داده یعنی
محدودیت هایی را که هر نفسی بدان مبتلاست از
شاگردین برداشته و آنها را از زندان تنگ خود موهوم و
مجازی رها می کند.

● خداوند، گاهی لذت و سرور و شادمانی را در همان
حدود و تعیینی که بنده دارد به او می چشاند و گاهی
کام جانش را با لذت و سرور رهایی از حدود و قیود
و بندها شیرین می کند، آری هر دو شیرین اند اما
این کجا و آن کجا؟ شکرگذاری یک بنده او را از بند
توهمات و اعتبارات می رهاند.



* دهم ماه ذی الحجه

مناسبت: روز عید سعید قربان

موضوع: فضایل و اعمال روز عید قربان

نکته‌ها

- عید قربان یکی از اعیاد مهم مسلمین است که برخلاف بسیاری از اعیاد، مورد اختلاف نیست؛ چراکه همه فرق مسلمین این روز را عید محسوب می‌کنند.
- عید قربان بزرگ‌ترین روز حج محسوب می‌شود؛ از امام صادق (علیه السلام) نقل است که در جواب معاویه بن عمار که از ایشان درباره «يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ»^{۲۵} پرسیدند، فرمودند: «آن، روز عید قربان است.»^{۲۶} از آن جهت می‌توان گفت عید قربان تجلی توحید بوده و نمادی از تجلی انسجام اسلامی در ایام حج است.
- امام خمینی (رحمه الله) احیاگر اسلام ناب، درباره عید قربان چنین بیان داشتند که: عید قربان، عیدی است که انسانهای آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می‌اندازد؛ قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد در راه خدای بزرگ را به فرزندان آدم و اصفیاء و اولیای خدا می‌دهد... این پدر توحید و بت شکن جهان، به ما و همه انسانها آموخت که... عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا

۲۵ - توبه ، ۳.

۲۶ - کافی، ج ۴، ص ۲۹۰.



بدهید و عیدی بگیرید. خود و عزیزان خود را فدا کنید و دین خدا را و عدل الهی را برپا نمایید. به همه ما ذریه آدم فهماند که «مکه» و منی قربانگاه عاشقان است و محل نشر توحید و نفی شرک که دلبستگی به جان و عزیزان نیز شرک است.^{۲۷}

● کسی که در روز عید قربان گوسفندی را ذبح می کند، در حقیقت با حرکتی نمادین عزم از میان بردن هوس ها و وابستگی هایش را می کند و آماده ایثار و فداکاری می شود. این عمل را از آن جهت که عبادت و وسیله تقرب به خداست، قربان گویند.^{۲۸}

● بخشش و قربانی و تقسیم آن در میان مردم بویژه تنگ دستان به معنای دستگیری و تعاون است. وقتی حاجی در روز عید به شکرانه انجام مناسک حج، موظف می شود تا حیوانی سالم و کامل را بکشد و گوشت آن را به نیازمندان بدهد، این عمل خود عامل نزدیک شدن به خدا می گردد و انسان را مشمول عنایت الهی می سازد و هم بر حسب مصرف، عامل ایجاد محبت بین انسان و افراد جامعه می شود. این گونه است که بین مسلمانان رابطه ای صمیمی به وجود می آید که خود یکی از عوامل و زمینه های انسجام است و بدین صورت تعاون و همبستگی اجتماعی در اعمال خیر و نیکوکاری در میان مردمان افزایش می یابد. از طرف

۲۷ - صحیفه نور.

۲۸ - مجمع البحرین، کلمه قرب، ج ۲، ص ۴۸۰.

دیگر، اگر تقسیم قربانی صحیح انجام گیرد، میلیون ها گرسنه سیر می شوند و بدینوسیله بین غنی و فقیر، ارتباط برقرار می گردد. این همان انسجام و همدلی مورد توجه شارع است.

● روز عید قربان، روز شریفی است و اعمال آن چند چیز است:

۱. غسل؛ که در این روز سنت مؤکد است.
۲. اقامه نماز عید قربان، به همان نحو که در عید فطر ذکر شده است. اما در این روز مستحب است که بعد از نماز، با گوشت قربانی افطار شود.
۳. خواندن دعای چهل و ششم صحیفه سجادیه که اینگونه آغاز می شود: **يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ.**
۴. خواندن دعای ندبه.
۵. قربانی کردن؛ که سنت مؤکد است.





* دوازدهم ماه ذی الحجه

موضوع: اسوه و الگو بودن معصومین علیهم السلام

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ۚ

مسلمانان برای شما در (اقتدا به) رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ برای کسی که به خدا و روز واپسین امید (قلبی و عملی) دارد و خدا را بسیار یاد می کند.

نکته‌ها

● باید بین شخص و الگوی او تناسب باشد به این معنی که الگو باید از جنس شخص باشد و همچنین باید ابتدای حرکت، مسیر حرکت و مقصد حرکت در الگو و شخص تابع یکی باشد.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم مثل ما و از جنس ما هستند «قل انما انا بشر»؛ ائمه معصومین علیهم السلام نیز تکامل داشته و از ابتدا کامل نبودند و این حرکت تکاملی ایشان هم با اختیار ایشان بوده و در راه تکامل مجاهده کرده اند.

● از همه مهمتر اینکه ما هم بر اثر پیروی تام از ائمه می توانیم به همان کمالی برسیم که این بزرگواران رسیدند البته منصب نبوت و امامت امری است اختصاصی، ولی وصول به مقام توحید و فناء در



ذات احدیت که تعبیر از او به ولایت می شود اختصاصی نیست حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله امت خود را دعوت فرموده اند که به آن جائی که پای خود را گذارده اند پا گذارند و این مستلزم امکان سیر به آن مقصد است.

● حرکت تکاملی انسان فعل اختیاری اوست و اختیار حرکت بعد از تصدیق به فائده است و تصدیق به فائده بعد از تصور حرکت و مقصد آن است، حال اگر کسی نداند که کمال او چیست؟ و نهایت حرکت او کجاست؟ دیگر محال است اراده رشد و تکامل کند و به سمت آن مقصد حرکت کند. مثلاً فرض کنید کسی در مکانی نامناسب و دور از تمدن زندگی می کند حال اگر او اصلاً نداند که مکان بهتری هم هست که امکان رفتن به آنجا وجود دارد محال است اراده کند و به آن مکان رهسپار شود و تمام عمر در آن مکان نامناسب می ماند.

● خداوند متعال با این آیه به ما می فهماند که ما می توانیم به همان کمال و مقامی برسیم که اهل بیت علیهم السلام رسیدند.

● نمونه ای از رفتارهای معصومین عمل به این آیه است «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً»^{۳۰} و پاسی از شب را به طور تهجد، خواب و بیدار باش و به قرأت قرآن در نماز مشغول باش که این عطیه ای است از برای تو! و شاید پروردگار بدین جهت مقام محمود (شفاعت



کبری) را به تو مرحمت کند.

● در نقطه مقابل خداوند متعال کسانی را که به غیر از خدا و الگوهای الهی افراد دیگری را انتخاب می کنند، اینچنین معرفی می فرماید: **مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ**^{۳۱}

داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند، همچون داستان عنکبوت است که (با آب دهان خود) خانه ای برای خویش ساخته، و در حقیقت (اگر می دانستند) سست ترین خانه ها همان خانه عنکبوت است.

● خداوند افرادی را که از الگو حقیقی تبعیت نکنند و با غیر خدا سر و کار دارند، و رابطه برقرار می کنند مثال به عنکبوت زده است که برای خود خانه ای می سازد با شوق در آن می نشیند، و در انتظار صید مگس و حشرات چه عالمی را به سر می برد؛ تا ناگهان مگسی غافل و حشره ای بی خبر از آنجا بپرد و در آن شبکه تنیده گرفتار آید، و این عنکبوت یکباره می جهد و آنرا طعمه خویش می سازد عنکبوت این خانه خود را محکمترین خانه ها، و این آشیانه با آب دهان خود تنیده را مستحکمترین دژها و قلعه ها می پندارد. و از آن عظیم تر و استوارتر تصوّر نمی کند.



* سیزدهم ماه ذی الحجه

مناسبت: شق القمر در شب چهاردهم ذی الحجه.

موضوع: تفاوت معجزه با سایر خوارق عادات.

نکته‌ها

● در معجزه سه حیثیت و جهت وجود دارد:

اول: معجزه گر که باید مدعی منصب الهی و تحدی کننده باشد و هدف او هم اثبات امر محالی نباشد.
دوم: خود معجزه، که باید خارق عادت بوده و گواه صدق ادعا باشد و از امور شرّ هم نباشد.
سوم: مردمی که برای آنها معجزه صورت می گیرد. مخاطبین یک اعجاز باید از آوردن مثل آن معجزه ناتوان باشند.

● معجزه قابل تعلیم و تعلّم نیست بلکه عنایتی الهی و به اذن خداست. اما سحر قابل تعلیم و تعلّم است. یعنی انسان می تواند نزد استاد فرا گیرد و به دیگران بیاموزد. در قرآن کریم نیز اشاره ای به قابل تعلیم بودن سحر شده است. **يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ**^{۳۲}

● معجزه همراه با تحدی (مبارزه طلبی) است یعنی معجزه گر، دیگران را دعوت می کند که مثل آن معجزه را بیاورند و همینکه نتوانند مثل آن معجزه را بیاورند و عاجز شوند دلیل حقانیت آن معجزه و معجزه گر است. قرآن کریم نیز به عنوان یک معجزه این مبارزه طلبی



را در موارد متعددی اعلام می‌کند.

إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ
مِنْ مِثْلِهِ. ۳۳

● اما تفاوت معجزه با کرامت این است که معجزه همراه با ادعای نبوت یا منصبی الهی است اما کرامات اینگونه نیست و صاحب کرامت ممکن است هیچ‌گونه ادعائی نداشته باشد. کرامات از اولیاء الهی صادر می‌شود چه پیامبر یا امام باشند یا نباشند. اما معجزه از کسی صادر می‌شود که منصبی الهی (نبوت یا امامت) داشته باشد.

● ادیانی که موقت بوده‌اند مثل یهودیت و مسیحیت معجزات آنها نیز موقت است اما دین اسلام که همیشگی و تا قیامت است معجزه آن نیز دائمی و جاویدان است.

* چهاردهم ماه ذی الحجه

مناسبت: شب ولادت امام هادی (علیه السلام).

موضوع: درس‌هایی از زندگانی امام هادی (علیه السلام) (۱).

حسن به مسعود می‌گوید: به محضر مولایم حضرت ابوالحسن الهادی علیه‌السلام رسیدم. در آن روز چند حادثه ناگوار و تلخ برایم رخ داده بود؛ انگشتم زخمی شده و شانهام در اثر تصادف با اسب سواری صدمه دیده و در یک نزاع غیر مترقبه لباسهایم پاره شده بود. به این خاطر، با ناراحتی تمام در حضور آن گرامی گفتم: عجب روز شومی برایم بود! خدا شرّ این روز را از من باز دارد!

امام هادی علیه‌السلام فرمود: يَا حَسَنُ هَذَا وَ أَنْتَ تَغْشَانَا تَرْمِي بِذَنْبِكَ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ؛ ای حسن! این (چه سخنی است که می‌گویی) با اینکه تو با ما هستی، گناهت را به گردن بی‌گناهی می‌اندازی روزگار چه گناهی دارد!

حسن بن مسعود می‌گوید: با شنیدن سخن امام علیه‌السلام به خود آمدم و به اشتباهم پی بردم. گفتم: آقای من! اشتباه کردم و از خداوند طلب بخشش دارم.

امام فرمود: ای حسن! روزها چه گناهی دارند که شما هر وقت به خاطر خطاها و اعمال نادرست خود



مجازات می‌شوید، به ایام بدبین می‌شوید و به روز بد و بیراه می‌گویید!

حسن گفت: ای پسر رسول خدا!، برای همیشه توبه می‌کنم و دیگر عکس العمل رفتارهایم را به روزگار نسبت نمی‌دهم.

امام در ادامه فرمود: **يَا حَسَنُ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُثِيبُ وَ الْمُعَاقِبُ وَ الْمُجَازِي بِالْأَعْمَالِ عَاجِلًا وَ آجِلًا؛** ای حسن! به طور یقین خداوند متعال پاداش می‌دهد و عقاب می‌کند و در مقابل رفتارها در دنیا و آخرت مجازات می‌کند.^{۳۴}

نکته‌ها

● دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم قوانین خاص دارد که در چارچوب سنت‌های الهی تعریف شده است اعمال ما نیز از چنین قوانینی پیروی می‌کنند و قانون مهم این است که ارتباطی بین اعمال انسان و حوادث این جهان وجود دارد و آثار و نتایج اعمال ما به خود ما برمی‌گردد.

● آثار گناه در زندگی بسیاری از ما مشهود است ولی غافلانه همین پیامدها و حوادث ناگوار در زندگی‌مان را از سرنوشت بد و روزگار می‌دانیم.

● البته این به این معنا نیست که همه حوادث و مصائب و اتفاقات بخاطر اعمال ما باشد زیرا مصائب این جهان فلسفه‌های دیگری هم دارد مثلاً گاهی به

۳۴- بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۲.



علت امتحان الهی است.

* پانزدهم ماه ذی الحجه

مناسبت: روز ولادت امام هادی (علیه السلام).

موضوع: درس‌هایی از زندگانی امام هادی (علیه السلام) (۲).

امام هادی (علیه السلام) می فرمایند:

مُخَالَطَةُ الْأَشْرَارِ تَدُلُّ عَلَى شَرِّ مَنِ يُخَالَطُهُمْ^{۳۵}
فرمود: همنشین شدن و معاشرت با افراد شرور نشانه
پستی و شرارت تو خواهد بود.

نکته‌ها

● انسان‌ها روح بسیار حساسی دارند و زود تحت تأثیر،
واقع می‌شوند و متوجه اکثر تاثیراتی که دیگران بر آن
ها می‌گذارند، نمی‌شوند. در بعضی از آیات و روایات
تأکید شده است که با بعضی از افراد رابطه دوستی
برقرار نکنید و با بعضی دیگر رابطه برقرار کنید.

● رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: انسان بر دین
دوستش خواهد بود، بنابراین هر یک از شما دقت کند
که با چه کسی دوست می‌شود.^{۳۶}

● حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: خیر دنیا و آخرت
در رازداری و دوستی با نیکان جمع شده است، و شر و
بدی در افشای راز و دوستی با اشرار گرد آمده است.^{۳۷}

۳۵- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۰۸.

۳۶- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۲.

۳۷- بحار الانوار ج ۷۴، صفحه ۱۷۸.



● امام محمد باقر (علیه السلام) می فرمایند: با چهار شخص معاشرت و دوستی نکن: احمق، بخیل، ترسو و دروغگو؛ زیرا شخص احمق می خواهد به تو سود برساند ولی صدمه می زند، و آدم بخیل و تنگ نظر از تو می گیرد اما به تو پس نمی دهد، و ترسو از تو و پدر و مادرش فرار می کند و دروغگو اگر راست بگوید کسی باور نمی کند.^{۳۸}

● انسان باید در ارتباطات خانوادگی، دوستانه و ... مراقبت کند. جوانان و خانواده ها اگر در گزینش دوستان مراقبت و مواظبت نمایند، ممکن است توسط دوستان ناباب به گناه و خطا و کارهای ناصواب آلوده شوند. در ارتباطهای دوستانه همیشه باید دوستانی خوب برگزید، باید مراقبت کرد دوستانی برگزینیم که از جهات انسانی از ما برتر و والاتر باشند تا بر فضایل و کرامات ما افزوده تر شود و به قول معروف: همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید.

● اگر دوستان ناباب و ناشایستی اختیار کنیم، بدون تردید فضایل و کمالات خود را (که یکی از مهمترین این فضائل تفکر و تعقل است) از دست خواهیم داد و به آلودگیهای آنان مبتلا خواهیم شد چراکه شخصیت هر فرد در چهره دوستانش تبلور می یابد. افراد را می توان از طریق دوستانشان شناخت، اگر دوستانشان صالح و شایسته باشند، آنان نیز شایسته و صالح خواهند بود، اگر بر عکس ناپاک و ناصالح باشند، آنها نیز ناصالح و

* شانزدهم ماه ذی الحجه

موضوع: آیه ولایت.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ^{۳۹}

ولّی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

نکته‌ها

● حضرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه‌السلام در حال رکوع در نماز به فقیری که در مسجد طلب کمک می‌کرد، انگشتی خود را صدقه داد؛ رسول خدا آن هنگام در منزل بودند که این آیه ولایت را جبرائیل فرود آورد و رسول الله با خود قرائت می‌کردند تا با جمعی از اصحاب به در مسجد رسیدند، پرسیدند: آیا کسی در حال رکوع صدقه داده است؟ سائل انگشتی را به رسول الله نشان داد و گفت: این است آن صدقه‌ای که آن مرد در حال رکوع به من بخشید و من از دست او بیرون آوردم.

● در این هنگام صدای اصحاب به تکبیر بلند شد و رسول اکرم حمد و سپاس خدا را بجای آورد که تعیین مقام ولایت، به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) شده است.



● در نگاه آغازین دو واژه قابل بررسی است؛ واژه «إِنَّمَا» و واژه «وَلِيَّكُمْ». بی تردید واژه «إِنَّمَا» در زبان عربی به معنای «حصر» است و حصر یعنی منحصر کردن حکمی به مورد خاصی، به طوری که آن حکم تنها اختصاص به همان مورد داشته باشد و هیچ کس یا هیچ چیز دیگری آن حکم را نداشته باشد. دوّمین واژه مورد بررسی، واژه «وَلِيَّكُمْ» یعنی «ولیّ شما» است.

● پیامبر خدا ﷺ در حدیثی که به نام «حدیث ولایت» معروف شده است می فرماید:

«عَلِيٌّ مَنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَهُوَ وَلِيَّكُمْ بَعْدِي»^{۴۰} علی از من و من از علی هستم، و او بعد از من، ولی شماست.

● معنای لغوی کلمه «ولی» به معنای متولی امر شدن و ولی امر بودن و حقیقت ولایت متولی امر جامعه بودن است.

● ولایت همیشه به یک معنا می آید و معانی دیگر هر کدام مصداقی از آن معنای واقعی خواهد بود یعنی: عهده دار شدن کار دیگری. به عنوان مثال وقتی گفته می شود: فلانی ولیّ فلانی است یعنی او عهده دار کارهای فرد دوم است، و یا وقتی گفته می شود: این شخص ولیّ این طفل صغیر است یعنی او مسئولیت کارهای طفل را به عهده گرفته است.

۴۰ - سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۸۹. مسند احمد بن حنبل، ج ۵،

و نیز ولیّ امر به کسی گفته می‌شود که تمامی کارهای آن امر به عهده او باشد. به همین علت است که به سلطان و پادشاه «ولیّ» گفته می‌شود؛ زیرا تمامی امور مملکت به عهده اوست و او این مسئولیت کشورداری را به عهده گرفته است.

● در تمام روایات صحیح و معتبر آمده است که این آیه تنها در شأن علی علیه السلام نازل شده است. در آیه مبارکه، ولایت را به صیغه مفرد آورده زیرا ولایت، امر واحدی است و قابل تعدّد و تکثر نیست، مگر به لحاظ ظروف، آن هم مجازاً و اعتباراً. اصل ولایت منحصر در ذات حضرت حقّ تبارک و تعالی است، و برای رسول الله و غیر رسول الله بالتَّبَع و المجاز، و روی این اصل، ولایت امر واحدی است و ولایت خدا و رسول خدا و زکات دهنده در حال رکوع یک ولایت است و یک معنی دارد.



* هفدهم ماه ذی الحجه

مناسبت: شب عید غدیر

موضوع: آیه تبلیغ

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^{۴۱}

ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای، و خدا تو را از (گزند) مردم نگاه می‌دارد. همانا خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

نکته‌ها

● خداوند در اینجا آن حضرت را به صفت رسالت مخاطب ساخته است این در حالیست که خطاب به آن حضرت به لفظ یا ایها النبی «ای خبر داده شده و از عوالم غیب مطلع گردیده» که به صفت نبأ و انباء آنحضرت را یاد می‌کند و دلالت بر مجرد اطلاع و علم به عالم غیب و نزول وحی توسط جبریل می‌کند در سیزده جای از قرآن آمده است.

و چون امر به تبلیغ در آیه بلِّغ، امر و الزام به رساندن حکم نازل شده از سوی خداست لذا مناسبتر است به لفظ رسول مخاطب شود تا همانند برهانی باشد بر

و جوب تبلیغ مضمون آیه تا آنحضرت را هشدار دهد که وظیفه رسول خدا تبلیغ رسالت اوست طبق آنچه که رسالت را تحمل کرده و متعهد به قیام در برابر مشکلات وارده از ناحیه رسالت شده است.

● تبلیغ عبارت است از رسانیدن و ایصال کردن و ابلاغ نمودن و اتمام حجّت کردن؛ غیر از کلمه قُلْ و اَفْرءُ و اَثَلُ و اذْکُرُ و ذَکُرُ و أمثال اینهاست که فقط دلالت بر گفتن و خواندن و تذکر دادن و گذشته است و از همین جهت است که شأن رسالت را در قرآن ابلاغ دانسته است، مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ^{۲۲} «بر عهده رسول غیر از رسانیدن چیزی نیست».

● «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» تاکید شدید: اگر این مأموریت را بجا نیاوری، اصلاً ادای رسالت پروردگارت را ننموده‌ای.

در بعضی از قرائت‌ها فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ «اصلاً رسالت‌های پروردگارت را انجام نداده‌ای»، آمده است. در این جمله نهایت تأکید نسبت به تبلیغ آن شیئی بیان شده است یعنی آن در درجه و منزلتی است که اگر تنها آن را انجام ندهی مثل آنست که بطور کلی هیچیک از رسالات خدا را که متحمل و متعهد شده‌ای، انجام نداده‌ای.

● این جمله به صورت تهدید آمده است، که بفهماند: اهمّیت این حکم تا حدی است که اگر به



مردم نرسد و حق آن کاملاً مراعات نگردد گویا هیچ حکم از احکام خدا توسط رسول او به مردم نرسیده است و هیچیک از اجزاء دین به محل و مقر خود ننشسته و به جای خود قرار نگرفته است.

● **وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ** «و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند و حقاً خداوند گروه مخالفان و معاندان را که پیوسته روی حق را می‌پوشانند و با حق باطناً در ستیز و منازعه‌اند، به مقاصد دنیوی و اسباب وصول به اهداف خود در شکستن این حکم نازل شده از ناحیه ما رهبری و هدایت نمی‌نماید.»

● **لفظ ناس (مردم) را مطلق آورده است، تا دلالت کند که در این مردم همه گونه از مؤمن و منافق و کسانی که دلشان مریض و قلبشان آلوده است یافت می‌شود که همه با هم مخلوط بوده. بنابراین اگر بنا بشود ترس وجود داشته باشد باید از عامه آنان ترسید و جمله تعلیلیه: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ** دلالت به این نکته دارد.**

● **مراد از کافرین، خصوص مشرکان و یا یهود و نصاری نیستند بلکه کفر در اینجا به معنای عام خود، یعنی به معنای پوشانیدن و مستور نمودن روی حق آمده است، و دلالت بر همین قسم از اقسام کفر به معنای عام و مطلق دارد.**

* هجدهم ماه ذی الحجه

مناسبت: روز عید سعید غدیر

موضوع: اکمال دین و اتمام نعمت.

الْيَوْمَ يَبْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ
اخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ
نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا^{۴۳}

امروز دین شما را برایتان کامل، و نعمت خود را بر
شما تمام نمودم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی
(استوار و پایدار) پذیرفتم.

نکته‌ها

- روز هیجدهم ذی الحجه روز عید غدیر و عید الله
الاکبر و عید آل محمد علیهم السلام است و عظیم‌ترین اعیاد
است و خداوند مبعوث نفرموده پیغمبری را مگر آن که
این روز را عید گرفته است و حرمت آن را دانسته است.
روز عید غدیر نامش در آسمان روز عهد معهود است و
نامش در زمین روز میثاق ماخوذ و جمع مشهود است.
- در روایتی آمده که از امام صادق علیه السلام پرسیدند
که آیا مسلمانان غیر از جمعه، عید قربان و عید فطر،
عید دیگری دارند. امام فرمودند: بله عیدی هست که
از همه اینها احترامش بیشتر است. آن روزی است که
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به جانشینی



خود معرفی کرد و فرمود که هر کس من مولا و آقای اویم پس علی مولا و آقا و پیشوای اوست و آن روز هیجدهم ذی الحجه است.

● اکمال دین و اتمام نعمت سبب یأس کفار از دین است؛

آنچه از آیات قرآن به دست می‌آید آنست که کافران از بدو ظهور اسلام پیوسته در صدد بودند که اسلام را از بنیان ریشه کن سازند و امید زوال آنرا از دوران پیشین در سر می‌پروراندند.

● کفار و مشرکین، آخرین چیزی که در زوال دین به آن امید بسته بودند، که این دعوت به آن از بین می‌رود آن بود که می‌پنداشتند بعد از پیامبر چون این دین رهبر ندارد از بین می‌رود. چون محمد، پسری که حافظ دین و آئین باشد ندارد. مشرکان، نبوت پیامبر را حکومت و ریاست و امارتی در لباس نبوت می‌دانستند، و سلطنتی در پوشش رسالت و دعوت و می‌گفتند: اگر بمیرد همانند پادشاهان و سلاطین، اثر دعوت او از بین می‌رود و نام او و نام دین او به نیستی می‌گراید و خداوند این امید و پندارشان را اینگونه خبر می‌دهد که: **إِنَّ شَأْنَكُمْ هُوَ الْاَبْتَرُ**^{۴۴} «آن کسی که عیب گو و بدگوی توست، اوست بلا عقب و بدون سامان».

قوت و شوکت اسلام ایشان را از جمیع اسبابی که بدان امید بسته بودند به یأس و نومیدی مبدل کرد.



● تمام یأس کفار وقتی محقق می‌شود که خداوند برای این دین، «قائم به امر» معین کند که در حفظ و تدبیر امورش جای پیامبر بنشیند و امت را بدان سُنّت ارشاد و هدایت نماید. در این صورت کفار مشاهده می‌کردند که دین از در مراحل کمال خود از صفت حدوث پا در مرحله بقا می‌گذارد، یأس و ناامیدی تمام وجودشان را فرا می‌گیرد. اینست اِکمال دین و اِتمام نعمت که سبب یأس و ناامیدی جریان باطل می‌شود.

● امام رضا (علیه السلام) به پسر ابی نصر فرمود: هر کجا که باشی سعی کن که روز غدیر نزد قبر مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) حاضر شوی چرا که خدا در این روز گناه شصت ساله مومنین را می‌آمرزد. و در این روز دو برابر آنچه که در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر از جهنم آزاد کرده، آزاد می‌کند. و بخشش یک درهم به مؤمن محتاج، برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر احسان شود.

● برخی از اعمال این روز:

۱. روزه که کفاره شصت سال گناه است و در روایتی دیگر آمده که برابر است با روزه تمام عمر و معادل است با صد حجّ و صد عمره.
۲. انجام غسل.

زیارت حضرت علی (علیه السلام) و سزاوار است که انسان هر کجا باشد سعی کند خود را به قبر مطهر آن حضرت



برساند. برای امام در این روز، سه زیارت مخصوصه نقل شده که یکی از آنها زیارت معروفه به (أَمِينُ اللَّهِ) است. در هنگام ملاقات مومنین به عنوان تهنیت جمله ذیل را بگوئیم: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.



* نوزدهم ماه ذی الحجه

موضوع: اخلاص در عمل (از علی آموز اخلاص عمل).

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ؛^{۴۵}

بگو همانا من مأمورم که خدا را پرستش کنم و دینم را برای او خالص گردانم.

نکته‌ها

● اگر بخواهیم برای فعلی ارزشگذاری کنیم ملاک

اصلی ارزش همان غرض و نیت شخص است که «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^{۴۶}

● نیت همانطور که ارزش فعل را کم و زیاد می

کند، ارزش فاعل آنرا هم کم و زیاد می‌کند و لذا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ»^{۴۷}

● اگر دو نفر یک کار را دقیقاً مثل هم ولی با دو

نیت متفاوت انجام دهند در واقع دو کار با دو ارزش متفاوت انجام داده‌اند. و این به خاطر این است که نیت به کارهای ما رنگ و بو می‌دهد.

● معنی اخلاص این است که نیت شخص و غرض او

از افعال قرب به خدا باشد نه قرب به دنیا، که اگر

۴۵- زمر، ۱۱.

۴۶- تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۸۳.

۴۷ نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۴۵.



نیت شخص برای رسیدن به دنیا باشد، ارزش او به همان اندازه است و اگر برای رسیدن به خداوند متعال باشد ارزش او تا بینهایت بالا می‌رود.

● یکی از علامت اخلاص این است که انسان مخلص از ستایش کسی خوشحال نشود؛ یعنی اینکه بزرگ بودن در نظر اطرافیان برایش مهم نباشد بلکه فقط رسیدن به خدا برای او مهم باشد؛^{۴۸} لذا در روایت می‌بینیم که اخلاص را بدین‌گونه تعریف می‌کنند: «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»^{۴۹}

● نمی‌شود انسان در قلب خود هم دنیا را کمال بداند هم آخرت را چون «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ»^{۵۰} و اگر کسی هم به دنبال خدا باشد هم غیر خدا در واقع به دنبال خدا نبوده که «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ مَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا.»^{۵۱}

● اگر کسی اخلاص داشته باشد عمل کم او پذیرفته می‌شود و اگر برای غیر خدا کاری انجام دهد هر چند هم بسیار باشد مورد قبول نیست لذا در روایت

۴۸- عده‌الداعی، ص ۲۲۴.

۴۹- کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۵۰- کشف الغمه ج ۱ ص ۳۸۵.

۵۱- کافی ج ۲ ص ۲۹۵.

از اخلاص تعبیر به افضل النعم شده؛ امام صادق می فرمایند:

مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ عَبْدٍ أَجَلَ مَنْ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ غَيْرُهُ^{۵۲}

● اخلاص، عمل نیست بلکه علم به این است که کمال حقیقی فقط وصول به حق است لذا برای تحصیل آن باید بی اعتباری غیر خدا و اینکه حیات و قدرت حقیقی منحصر به خداوند متعال است را باور داشت و به آن معتقد شد که هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{۵۳} البته انسان می تواند با همنشینی با کسانی که فقط به دنبال خدا هستند کم کم این باور را در خود تقویت کند.

● یکی از ویژگی های مخلصین در قرآن این است، به مرحله ای می رسند که دیگر شیطان نمی تواند آنان را اغوا کند:

«قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»^{۵۴}

۵۲- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

۵۳- غافر، ۶۵.

۵۴- ص، ۸۳.



* بیستم ماه ذی الحجه

موضوع: شکرگزاری

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ۵۵

مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و مرا سپاس گزارید و کفر نورزید و کفران نعمت من نکنید.

نکته‌ها

● شکرگزاری بدرگاه الهی از مهمترین خصوصیات انسان است. گرچه نعمتها و فضل پروردگار بسیار زیاد می باشد و قابل احصاء نیست اما همین معرفت و شناخت که بشر بداند از شکر الهی عاجز است مقدمه ای بر رویش این فرهنگ در وجود او خواهد بود.

● یکی از وسایل آزمایش مردم، خود مردم هستند. گاهی کسی ثروتمند است تا معلوم شود شکر می کند یا طغیان؛ و کسی فقیر است تا آزمایش شود آیا صبر می کند یا بر ثروتمند حسد می ورزد.

● امام علی (علیه السلام) می فرمایند: **إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا اسْتَغْنَى شَكَرَ... وَ الْمُنَافِقُ إِذَا اسْتَغْنَى طَغَى؛ ۵۶**
مؤمن هنگام بی نیازی شکر می گزارد و منافق هرگاه بی نیاز شود طغیان می کند.

۵۵ بقره، ۱۵۲.

۵۶ تحف العقول، ص ۲۱۲.

● شکر الهی تنها یک ذکر زبانی صرف نیست بلکه منظور از شکر استفاده کردن هر نعمتی به جای خود و در راه همان است که برای آن آفریده شده.

● باید تلاش گردد با بهره گیری صحیح از نعمت های داده شده شکر آن را در عمل بجا آوریم که اقل مراتب شکر است. به عبارتی دیگر می توان گفت که شکر آن است که انسان همیشه و در همه حال بدون فراموشی به یاد خدا باشد و بدون انجام گناه به دستورات الهی گردن نهد.

● توفیقی که انسان به خاطر شکر و عبادت به درگاه حق بدست می آورد نعمتی است ارزنده که خداوند ما را بدان مفتخر نموده و لازم است به پاس این شکرگزاری به شکری دیگر پردازیم، چنانچه امام سجاد (علیه السلام) در مناجات شاکرین می فرمایند: چگونه می توانم حق شکر تو را به جای آورم در حالی که همین شکر من نیاز به شکر جدیدی دارد و هر زمانی که می گویم الحمد لله. بر من فرض است که بخاطر همین توفیق شکرگزاری بگویم: الحمد لله.

● شکر به هنگام برخورداری از نعمت ها و یادآوری عظمت و ارزش آنها اعم از مادی و معنوی موجبات تقرب به درگاه الهی می شود.

● از نشانه های ایمان در وهله اول سپاسگزاری و شکر نسبت به خداوند است که مظهر لطف و بخشش نعمت های زیادی است. در مرتبه دوم تشکر از کسانی که راه



رسیدن به نعمات الهی را هموار نموده و واسطه این فیض شده اند وظیفه ای است که مورد سفارش خدا و اولیاء دین می باشد. در روایت است که: «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» هر کس در مقابل احسان و نیکی بندگان خداوند تشکر نکند خدا را شکر نگفته است.

● از اثرات قابل توجه شکر فزونی نعمت است و از اثرات کفر نعمت، عذاب پروردگار می باشد.

«لئن شکرتم لازیدنکم ولئن کفرتم انّ عذابی لشدید»^{۵۷}

● خداوند در برابر نعمتهائی که به ما می بخشد نیازی به شکر ما ندارد، و اگر دستور به شکرگزاری داده آن هم موجب نعمت دیگری بر ما و یک مکتب عالی تربیتی است.

شکر نعمت ، نعمت افزون کند
کفر، نعمت از کفت بیرون کند

* بیست و یکم ماه ذی الحجه

مناسبت: روز نیروی انتظامی.

موضوع: نعمت امنیت.

پیامبر ﷺ فرمودند:

نِعْمَتَانِ مَجْهُوْلَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ ۵۸

دو نعمت است که ناشناخته است: امنیت و تندرستی.

نکته‌ها

● امنیت فی نفسه یکی از ضروری ترین نیازهای بشر است بلکه عامل مهمی برای رشد و پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است و از دیدگاه آیات و روایات امنیت از نعمت های بزرگ خداوند بوده و بر سایر نیازهای بشر اولویت دارد.

● امنیت در تفکر اسلامی، نه تنها در مورد جان، مال، عمل، حقوق و آزادیهای مربوط به این موارد صادق است، بلکه شامل شخصیت، شرف و حیثیت نیز می باشد تا جایی که پیامبر ﷺ فرموده است: کسی که به مؤمن اهانت کند به تحقیق با من به جنگ پرداخته است. ۵۹

● احادیث به قدری بر حرمت و حفظ امنیت اشخاص تاکید دارند که حتی لطمه وارد کردن به حیثیت،

۵۸- بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۸، ص ۱۷۰.

۵۹- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۷۵.



شرف و شخصیت مؤمن برای خودش نیز جایز نیست.

● امنیت در کلیه ابعاد و همچنین در بعد مهم سیاسی و نظامی مورد توجه اکید معصومین علیهم السلام بوده است. امیر مؤمنان عدم وجود نظم اجتماعی و قانون مداری و به دنبال آن عدم برقراری امنیت را از اسارت انسان در چنگال حیوان درنده بدتر می دانند.

● قرآن و روایات بیانگر این نکته بسیار مهم هستند که هر گونه امنیتی و در هر بعد از ابعاد آن، در نهایت ریشه در ایمان و اعتقادات معنوی و الهی دارد و هرگونه ناامنی در عرصه‌ای، سرانجام ریشه اش به بی ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی گردد.

● کار نیروهای انتظامی نوعی ایثارگری است و نقش زیادی در ایجاد نظم و امنیت در جامعه دارد.

● شرح وظایف نیروی انتظامی در حکومت اسلامی بسیار بیشتر و سنگین تر از نیروی انتظامی سایر حکومت های غیر اسلامی است در حدیثی امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر که یکی از سرداران حضرت بوده است، می نویسند: «أَمَّا بَعْدَ فَانْكَ مِمَّنِ اسْتَظْهَرَ بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ وَ اَقْمَعِ بِهِ نَخْوَةَ الْاِثْمِ وَ اسْدِ بِهِ لِهَاتَةِ الثَّغْرِ الْمَخُوفِ»^{۶۰}

بی گمان تو از کسانی هستی که من در اقامه دین خدا و اجرای قوانین الهی و در هم شکستن غرور

۶۰- نهج البلاغه، نامه ۴۶.



جنایتکاران و پاسداری از مرزهای حساس کشور به نیروی آنها تکیه و اعتماد می‌کنم.

● و با توجه به آموزه‌های اسلامی، مقام معظم رهبری بزرگترین وظیفه نیروی انتظامی را حفظ ارزشها، معرفی نمودند.





* بیست و دوم ماه ذی الحجه

مناسبت: سالروز شهادت میثم تمار.

موضوع: استقامت و پایداری در راه ولایت و امامت.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{۶۱}

به درستی که کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست و سپس استقامت ورزیدند، پس برای آنها خوفی نمی‌باشد و محزون نیز نخواهند شد.

نکته‌ها

● میثم تمار غلام زنی بود از بنی‌آسد که حضرت علی (علیه‌السلام) او را خرید و آزاد کرد و به او گفت: اسمت چیست؟ گفت: سالم. امیرالمؤمنین به او گفتند: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سلم به من خبر داده است که آن اسمی را که پدرت در عجم برای تو گذارده است، میثم است. گفت: خدا و رسول خدا راست گفته‌اند و تو ای امیرالمؤمنین راست گفتی! سوگند به خدا که اسم من میثم است. حضرت فرمود: به اسم دیرین خود بازگرد و سالم را رها کن ولیکن ما کنیه‌ات را به سالم می‌آوریم و به تو ابوسالم می‌گوئیم.

● روزی امیرالمؤمنین علیه‌السلام در محضر بسیاری از اصحاب خود به میثم فرمودند: ای میثم، پس از من



تو را می گیرند و به دار می زنند. چون روز دوم شود از دو سوراخ بینی و از دهان تو خون جاری می شود به طوری که محاسنت خضاب می شود. و چون روز سوم شود حربه‌ای بر تو فرود آرند که با آن جانت گرفته شود، بنابراین در انتظار این ایام باش.

● سالها بعد او را کوفه گرفتند و به نزد عبید الله بن زیاد بردند و گفتند: این مرد از برگزیده ترین افراد نزد أبو تراب است. عبید الله بن زیاد گفت: وَيَحْكُمُ هَذَا الْأَعْجَمِي؟ «ای وای بر شما، این مرد عجمی این مقام را داشته است؟» گفتند: آری،

- عبیدالله از او پرسید خدایت کجاست؟
- گفت در کمینگاه ستمگران.
- گفته می شود که أبو تراب بر آنچه بر سر تو خواهد آمد، تو را خبردار کرده است.
- آری او مرا خبردار کرده است.
- چه چیز را به تو خبر داده است که من بر سرت می آورم؟

میثم ماجرا را باز گفت.

- عبیدالله: من قطعاً با این گفتار ابوتراب مخالفت می کنم!

- میثم: وای بر تو! سوگند به خدا که من اولین کسی هستم که در اسلام بر دهان من لگام می زنند همانطور که اسبان را لجام می زنند.^{۶۲}



میثم در بالای دار شروع کرد به بیان فضائل بنی هاشم و زشتیهای بنی امیه در حالی که در روی چوبه دار محکم بسته شده بود. به ابن زیاد گفتند: این غلام، شما را مفتضح و رسوا ساخت. ابن زیاد گفت: بر دهان او لجام بزنید. و میثم اولین خلق خدا بود که در اسلام بر دهانش لگام زدند. چون روز دوم فرا رسید از دو سوراخ بینی و از دهان او خون جاری شد. و چون روز سوم رسید با حربه‌ای بر بدن او زدند تا جان داد. ● امیرالمؤمنین روزی میثم را فرا خواند: ای میثم! چگونه خواهی بود روزی که عبیدالله بن زیاد، تو را به برائت از من فراخواند؟

- ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند که از تو برائت نخواهم جست.

- آنگاه تو را بخدا خواهد کشت و به صلیب خواهد کشید!

- من صبر خواهم کرد که این بلا در راه خدا بسیار کوچک است!

- ای میثم! اگر چنین کنی در بهشت همراه من و هم درجه من خواهی بود.^{۶۳}

* بیست و سوم ماه ذی الحجه

مناسبت: سالروز درگذشت محدث خبیر مرحوم
حاج شیخ عباس قمی «صاحب کتاب شریف
مفاتیح الجنان».

موضوع: گستره و اهمیت دعا.

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۶۴

هر که در آسمان ها و زمین است، از او درخواست
(حاجت) می کند.

نکته‌ها

● موضوع مهم دعا و گستره آن حقیقتی است که
میدان حضور آن تمامی پدیده‌ها و همه ممکنات است.
همه مجموعه آفرینش رو به سوی خدا دارند و در هر
لحظه از مبدء پرفیض و سرچشمه هستی تقاضای نزول
فیض می کنند.

● در قرآن کریم و کلمات معصومان علیهم السلام
موضوع دعا، بسیار مورد توجه واقع شده، جایگاه
شایسته‌ای بدان اختصاص یافته است.

● دعا نشان دادن فروتنی و تواضع، خاکساری و خشوع،
انکسار و خضوع، به درگاه خالق متعال می باشد.
و منبع پر فیضی است که موجب هدایت و باعث نازل
شدن سفره دانش و حکمت می گردد.

● کتاب شریف مفاتیح الجنان یا، مفاتیح، نام کتاب



معروفی است که در بیشتر خانه های ما شیعیان وجود دارد و کمتر کسی است که نام آن را نشنیده باشد و یا از روی دعاها و اعمال مندرج در آن نخوانده و استفاده نکرده باشد. شیخ عباس قمی (رحمه الله علیه) عالم نام آشنا و نویسنده این کتاب است، عالمی که شاید اخلاص و عمل وی عامل این باشد که از زمان تألیف آن تا به حال بارها از روی این کتاب به انواع مختلف چاپ شود و این کتاب به این اندازه فراگیر شود و حتی امروز که در عصر تکنولوژی و فناوری و اوج پیشرفت آن هستیم نیز نسخه های دیجیتالی و مخصوص تلفن همراه آن نیز بسیار در میان مردم منتشر شده و علاقمندان بسیاری داشته باشد.

● درباره ایشان نقل شده که مرحوم شیخ عباس قمی از پرکارترین های علما بود و وقتی نگارش مفاتیح را به اتمام می رساند و می خواهد تا آن را به چاپ برساند، می گوید: یک سال صبر کنید، پس از یک سال که مفاتیح به چاپ رسید، می پرسند چرا همان سال گذشته اجازه چاپ ندادید؟ ایشان جواب می دهد: خواستم یک بار خودم به آن عمل کنم و ببینم مشکلی در آن نباشد. امروز مفاتیح در خیلی از خانه ها، مساجد و حرم ها هست و هر کس که از آن استفاده می کند با شیخ عباس قمی شریک است.

● از خداوند متعال می خواهیم که علم و عمل ما را نیز مقارن یکدیگر قرار دهد.



* بیست و چهارم ماه ذی الحجه

مناسبت: روز مباحله

موضوع: مباحله سندی بر حقانیت و جایگاه امیر

المؤمنین و اهل بیت علیهم السلام

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ
تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ
أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى
الْكَاذِبِينَ^{۶۵}

پس هر کس با تو درباره او (عیسای مسیح علیه السلام) بعد از آنکه تو را علم آمده محاجّه و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را و ما زنانمان را و شما زنانتان را و ما خودمان را و شما خودتان را فرا خوانیم، آن گاه به یکدیگر نفرین کنیم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

نکته‌ها

● با توجه به گزارش‌های قرآنی و شیوه‌ها و روشهای به کار رفته از سوی پیامبران معلوم می‌شود که هدف اصلی پیامبران، روشنگری بوده است و عذاب دنیوی زمانی تجویز می‌شد که همه راه‌ها به بن بست می‌رسید و پیامبر روشی جز لعن و نفرین نمی‌یافت تا دست کم آینه عبرتی برای آیندگان گردد.



● مسیحیان نجران^{۶۶} پس از دعوت رسول خدا ﷺ از پذیرش اسلام سرباز زدند و در مناظره نیز شکست خوردند. اما همچنان بر اشتباه خویش پافشاری می‌کردند. در اینجا بود که خداوند به رسولش دستور داد آنها را به مباحله دعوت کند.^{۶۷}

بر این شدند که فردای آن روز، دو طرف مناظره در خارج از مدینه با یکدیگر مباحله کنند. در روایات اسلامی که محدثان و مفسران (شیعه و اهل تسنن) نقل کرده‌اند، وقتی به دستور خداوند رسول خدا ﷺ مسیحیان را به مباحله دعوت فرمود؛ بزرگان مسیحی از ایشان یک روز مهلت خواستند تا در این باره به شور بنشینند. فردای آن روز رسول اکرم ﷺ امیر المؤمنین علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را به میعادگاه مباحله آوردند. اما مسیحیان ترسیدند و از مباحله منصرف شدند و پذیرفتند که در سایه حمایت حکومت اسلامی زندگی کنند و خراج (مالیات) بپردازند.

● بر اساس منابع معتبر شیعه و اهل تسنن، رسول خدا ﷺ در مقام اجرای فرمان الهی از «أبناءنا» فقط حسنین (علیهم السلام) و از «نساءنا» فقط فاطمه (علیها السلام) و از «انفسنا»

۶۶ - نجران هم اکنون در جنوبی ترین قسمت عربستان در حاشیه مرز آن کشور با یمن قرار دارد.

۶۷ - جریان مناظره و مباحله در آیات ۶۳-۵۹ سوره آل عمران آمده است.

تنها علی (علیه السلام) را برگزید و به صحنه مباحله برد.

● سؤال: فرمان خداوند و نحوه اجرای آن توسط

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیانگر چیست؟

۱. طهارت نفسی: پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) نفوسی پاکتر از این

افراد را نیافت که لیاقت و صلاحیت این امر مهم را

داشته باشند و الا با خود می آورد.

۲. بالاترین مرتبه یقین: افراد حاضر همراه پیامبر

(صلی الله علیه و آله) در بالاترین مرتبه یقین به حقانیت پیامبر اسلام

بودند و اگر کمترین شکی می داشتند، قطعاً در این

مراسم مهم و سرنوشت ساز شرکت نمی کردند. زیرا در

آن صورت خود را در معرض هلاکت و نابودی می دیدند.

۳. اعتماد رسول خدا (صلی الله علیه و آله): در مباحله دروغگو مورد

لعن و نفرین خداوند قرار می گیرد، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

به صحت عقیده و باطن این بزرگواران یقین داشتند

که آنها را برای مباحله برگزیدند.

● جریان مباحله و عمل پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دو روش بر

امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دلالت می کند:

الف: افضلیت علی (علیه السلام) بعد از پیامبر خدا

(صلی الله علیه و آله) پیامبر در تفسیر عبارت «أنفسنا» فقط علی (علیه السلام)

را انتخاب فرمود. یعنی علی (علیه السلام) در حکم نفس و جان

پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. هیچ کس از مسلمانان در افضلیت

پیامبر خدا بر تمام افراد دیگر تردیدی ندارد به تبع

آن نیز نباید در افضلیت کسی که در حکم جان پیامبر

(صلی الله علیه و آله) است تردیدی داشته باشد.



ب: علی علیه السلام صاحب اختیار امت اسلام؛
به حکم آیه مباحله علی علیه السلام در حکم نفس و خود
پیامبر صلی الله علیه و آله است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:
«النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم»^{۶۸}
رسول خدا از خود مؤمنین نسبت به آنها اولویت و
برتری دارد.

یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله صاحب اختیار آنهاست.
وقتی پیامبر صاحب اختیار مسلمانهاست، کسی که در
حکم جان و نفس پیامبر است علی علیه السلام که صاحب
اختیار امت اسلام و مؤمنین است طبعاً خلیفه بر
مسلمین و مؤمنین خواهد بود.^{۶۹} چون صاحب اختیار
بودن معنی دیگر امامت و خلافت است.



۶۸ - احزاب، ۶.

۶۹ - استدلال فوق با توجه به همین آیه است. آیات و روایات
متعدد دیگری امامت و خلافت بلافضل امیر المؤمنین را ثابت
می‌کند که در جای خود خواهد آمد.

* بیست و ششم ماه ذی الحجه

موضوع: عصمت ائمه علیهم السلام

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا^{۷۰}

«این است و جز این نیست که فقط خداوند اراده کرده است که از شما اهل بیت هرگونه رجس و پلیدی را از میان بردارد و به تمام معنی شما را پاک و پاکیزه گرداند».

نکته‌ها

● روزی حضرت علی و امام حسن و حسین و حضرت فاطمه علیهم السلام در نزد حضرت رسول الله ﷺ بودند، پیغمبر خدا همه آنها را در زیر کساء داخل نمود، ثُمَّ قَالَ ﷺ اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلًا وَ ثَقْلًا وَ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ ثَقْلِي «خداوندا برای هرپیغمبری اهلی و ثقلی است و اینها اهل بیت من و ثقل من هستید». ام سلمه گفت: آیا من از اهل تو نیستم؟ حضرت فرمودند: تو به خیر هستی و لیکن اهل من و ثقل من ایشانند. در این حال خداوند آیه تطهیر را فرستاد.^{۷۱}

این حدیث که به حدیث کساء مشهور شده از مسلمات

۷۰- الأحزاب، ۳۳.

۷۱ - الکافی، جلد ۲، صفحه ۸.



و متواترات است و بیش از هفتاد روایت و نزدیک به
چهل سند متصل دارد که بیشتر آنها از طریق اهل
سنت است.

● طهارت در مقابل قذارت، و تطهیر اهل بیت ملازم
با زوده شدن کثافات روحی و اخلاقی و گناه است،
بنابر این با جمله **وَ يُطَهَّرَكُمُ تَطْهِيراً** می‌رساند که هر
صفت نیک و هر ملکه نیکو و هر عقیده پاک و هر
کردار پسندیده جایگزین آن مراتب از قذارت خواهد
شد یعنی به جای شک، ملکه یقین و اطمینان، و به
جای بخل و حسد و حقد و کینه و شخصیت طلبی و
جاه‌پرستی و مال‌اندوزی و ریاست‌طلبی، ملکه انفاق
و ایثار و گذشت و عفو و اغماض و خدا پرستی و خدا
دوستی و عبودیت در مقابل عظمت حضرت ربّ الارباب
خواهد نشست، و آن همان ملکه عصمت است که از
آیه استفاده می‌شود.

● چون به اراده الهیه نفس اهل بیت منزّه و مبرّای
از هر گونه عیب و کدورت معنوی شده است ملکات و
اخلاق آنها که قوای نفس محسوب می‌شوند به دنبال
طهارت نفس، پاک و منزّه خواهد بود و به دنبال ملکات
و اخلاق، اعمال آنها که زائیده شده اخلاق و ملکات و
نیات آنهاست صالح و پسندیده خواهد بود، بنابراین از
اهل بیت، معصیت سر نمی‌زند به علّت آنکه نیت
معصیت نمی‌کنند، و نیت معصیت نمی‌کنند چون
میل و اشتیهای به گناه را ندارند، و میل و اشتیهای به

گناه را ندارند چون در نفس آنان نقطه تاریک و سیاهی
یا خطّ آلوده و کثیفی نیست تا به دنبال آن، این میل
و اشتهائی که حکم طفل متولد از قوای نفسانیّه را دارد
پیدا شود.





* بیست و هفتم ماه ذی الحجه

موضوع: آسانگیری بر مردم و دوری از کارهای پست.

لَا تُدَاقُوا النَّاسَ وَزَنَّا بِوَزْنٍ، وَ عَظَّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَاوُلِ
عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ ۷۲

نسبت به مردم، زیاد خرده گیری نکنید، و قدر خود را با کناره گیری از کارهای پست بالا برید.

نکته‌ها

● یکی از بیماری‌های اجتماعی که مانع جدی در سر راه کمال انسان در حوزه‌های فردی و اجتماعی است، عیب جویی و خرده گیری از دیگران است. برخی از مردم، از نظر روان شناسی اجتماعی، به بیماری منفی نگری به جای مثبت نگری دچار هستند. آنان به جای آن که مثبت‌های هر چیزی را مد نظر قرار دهند و نیمه پر لیوان را بنگرند، به نیمه خالی آن اشاره می‌کنند.

● این شیوه برخورد بیانگر شخصیت سست و ناتوانی است که خرده گیران از آن رنج می‌برند، هرگونه خرده گیری از سوی کسانی صورت می‌گیرد که دارای شخصیت‌های ناهنجار، نامتعادل و بی ثبات هستند و البته خرده گیری نسبت به هر کار و عملی، در این گونه از انسان‌ها امری عادی و طبیعی جلوه می‌کند.

● قرآن از هرگونه تحقیق و تفحص در زندگی



دیگران و عیب جویی نهی می کند تا شخص خود در بلند مدت گرفتار فسق و فجور نشود. به هر حال یکی از آثار عیب جویی و خرده گیری از گناه ها و خطاها و اشتباهات و عیوب دیگری، افتادن در دام فسق و فجور است.^{۷۳}

● عیب جویی همگرایی و انسجام و وحدت اجتماعی را از میان می برد. از این رو خداوند در آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره حجرات، عیب جویی و تجسس در احوال مؤمنان و شهروندان و تفحص در کاستی های زندگی یکدیگر را عامل گسستن اخوت و برادری ایمانی و از میان رفتن همدلی و وفاق اجتماعی می داند.

● لغزشهای مسلمانان را نجوید که هر کس لغزشهای برادرش را پی جوید خداوند لغزشهای او را پیگیری می کند و هر که را که خداوند عیب جویی کند رسوایش می سازد هر چند در اندرون خانه خود باشد.^{۷۴}

۷۳ - آیات ۷۷ تا ۸۰ سوره توبه.

۷۴ - الکافی، ج ۲، ص ۳۵۵، ح ۵.



* بیست و هشتم ماه ذی الحجه

موضوع: دوری کردن از خصوصیات بدترین آدم‌ها.

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۗ۵

حقاً که بدترین جنبنندگان در نزد خدا، مردم کر و لالی (از شنیدن و گفتن حق) هستند که نمی‌اندیشند.

نکته‌ها

● برخی افراد هستند بخاطر غفلت و عدم تفکر در علت و هدف از خلقت و انجام ندادن تکالیف الهی و در نتیجه آلوده شدن به برخی گناهان به مرحله ای می‌رسند که گوش دارند اما حق را نمی‌شنوند، به تعبیر قرآن کر هستند؛ چشم دارند اما حق را نمی‌بینند که به تعبیر قرآن کور هستند؛ و با خود نمی‌اندیشند که چه می‌کنند و به کجا می‌روند و...

● بدترین انسان‌ها نزد خدا کسانی‌اند که به کفر و بی‌ایمانی روی آورده، از همین مسیر، حق را زیر پا قرار داده، هر کار زشتی را انجام می‌دهند. در آیات متعددی از قرآن، نام بدترین موجودات آمده است. در تعبیری، اینان همان انسان‌های کافر و یا از حق روی گردانی‌اند که به عنوان بدترین جنبنندگان معرفی شده‌اند.

● برخی از خصوصیات مردم بد که در روایات به آن پرداخته شده است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: بدترین اشخاص، افرادی



هستند که مردم به دلیل دور ماندن از شرشان اجباراً به آنها احترام می‌گذارند.^{۷۶}

امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: بدترین انسان‌ها فردی است که لغزش‌های دیگران را نادیده نمی‌گیرد و تلاشی در پوشاندن عیب‌های مردم نمی‌کند.^{۷۷}

امیر المؤمنین (علیه السلام) بدترین مردم فردی است که به دلیل بدگمانی خود به دیگران اعتماد نکند و دیگران نیز به دلیل رفتار زشتش به او اعتماد نکنند.^{۷۸}

● پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انسان دو چهره از بدترین مردم نزد پروردگار است.^{۷۹}

● امیر المؤمنین (علیه السلام) فردی که خدا او را به خودش واگذار کرده (و به او کمک فکری نمی‌کند) چنین فردی از راه راست منحرف می‌گردد، به بدعت و مطالب انحرافی علاقه مند و آلوده می‌شود... و موجب انحراف کسانی است که در زمان زندگی و مرگ او، از وی پیروی کنند، اشتباهات دیگران را به دوش می‌گیرد و گرفتار گناهان خودش هست.^{۸۰}

۷۶ - بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۰۶.

۷۷ - غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۵، ح ۵۰۱۶.

۷۸ - همان، ص ۲۶۳، ح ۵۶۷۵.

۷۹ - الخصال، ج ۱، ص ۳۸، ح ۱۷.

۸۰ - نهج البلاغه، خطبه ۱۷.



* بیست و نهم ماه ذی الحجه

موضوع: چگونه با خطاهای دیگران برخورد کنیم؟

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ
يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا
و به بندگان من بگو سخنی را که نیکوتر است بگویند
(برای هر مقامی نیکوترین سخن متناسب آن مقام را
انتخاب کنند) همانا شیطان (به وسیله کلمات مفسده
انگیز) میانشان را بر هم می زند ، زیرا شیطان همیشه
برای انسان دشمن آشکار بوده و هست.^{۸۱}

نکته‌ها

● باید بدانیم که هم بزرگ کردن اشتباهات دیگران
روشی نادرست است و هم چشم‌پوشی غیر صحیح
از آنها. همچنین « عادت کردن » بر خطاهای خود و
دیگران نیز مناسب نمی باشد.

● شیوه درست آن است که ما با خطاها به عنوان
اموری « محتمل » و در عین حال « قابل درمان »
برخورد کنیم.

● آنطور که از این آیه استفاده می شود باید در نوع
موضعگیری و برخورد و سخن گفتن نسبت به دیگران
خصوصاً آنهایی که نسبت به ما دچار اشتباه و خطا
شده اند باید بگونه ای باشد که متاثر از وسوسه و
تحریک شیطان نباشد و همچنین راه سوء استفاده

شیطان در ایجاد اختلاف و دشمنی و کینه بین مؤمنین، مسدود گردد.

● طبق این آیه ما موظف هستیم به نیکو سخن گفتن و ادب در کلام را رعایت کنیم.

● در درگاه خدا حسن سریره و خوش رفتاری و کمال ادب ملاک برتری انسانها است، حتی اگر در میان انبیاء هم خداوند بعضی را بر بعضی برتری داده باز بیهوده نبوده، بلکه به خاطر همین حسن رفتار و سیرت و ادب بیشتر بوده است.

● نوع سخن گفتن ما مسلمانان با هم باید بهترین از نظر محتوی، بهترین از نظر طرز بیان و بهترین از جهت تواءم بودن با فضائل اخلاقی و روشهای انسانی باشد.

● فراموش نکنیم شیطان در کمین نشسته و بیکار نیست؛ شیطان از آغاز دشمن آشکاری برای انسان بوده است، خشونت در کلام و مخاصمه و لجاجت بین ما، باعث می شود که شیطان در میان ما فساد و فتنه کند.



* سی ام ماه ذی الحجه

مناسبت: روز جهانی استاندارد

موضوع: اخلاق کسب و کار

إِذَا أَحْسَنَ الْمُؤْمِنُ عَمَلَهُ ضَاعَفَ اللَّهُ عَمَلَهُ لِكُلِّ حَسَنَةٍ سَبْعُمِائَةٍ فَأَحْسِنُوا أَعْمَالَكُمْ لِثَوَابِ اللَّهِ ۸۲

اگر مؤمن کارش را به نحو احسن انجام بدهد، خدا یک ثواب را هفتصد برابر می کند. کارهایتان را خوب (با کیفیت و دقیق) انجام بدهید، تا ثواب هفتصد برابر را بگیرید.

نکته‌ها

- عمل خوب و عمل صالح همانی است که امروز به آن استاندارد می گویند.
- کار درست را کسی انجام می دهد که خودش آدم درستی باشد. آنچه باعث تأسف و سرافکندگی و در نتیجه بی برکتی بازارها و درآمدهایمان می شود، همین است که ما به آداب و اخلاق و استانداردهای تولید و فروش کمتر توجه می کنیم.
- مرحوم کلینی ره از جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگامی که در کوفه بودند، هر روز صبح از خانه خود بیرون می آمد، در حالی که تازیانه

ای در دست داشت که به آن (سببیه)^{۸۳} می گفتند، در بازارهای کوفه از این بازار به آن بازار می گشتند و در مقابل هر بازاری می ایستاد و خطاب به آنان می فرمودند: ای کاسب ها! از خدا بترسید. تُجَّار و کسبه وقتی صدای حضرت را می شنیدند، هرچه در دستشان بود به زمین می گذاشتند و از صمیم قلب متوجه فرمایشات امیرالمؤمنین (علیه السلام) می شدند و با گوش خود می شنیدند که می فرماید: طلب خیر را بر همه چیز، مقدم بدارید، با آسان گرفتن معامله به اموالتان برکت دهید، به خریداران گران ندهید تا به شما نزدیک شوند و با بردباری اخلاق خود را زینت دهید، و از قسم خوردن دوری کنید، و از دورغ گویی پرهیزید و از ظلم و ستم کناره بگیرید. با مظلومین و ستمدیدگان با عدل و انصاف برخورد کنید، دور ربا نگردید و در اندازه گیری و اجناس، کم نگذارید و اجناس مردم را بی ارزش و حقیر نسازید و خود را از مفسدین روی زمین قرار ندهید.^{۸۴}

۸۳ - سببیه یعنی دو شقه و دو تکه، چون تازیانه حضرت دو سر و دو شعبه داشت که به آن سببیه می گفتند.

۸۴ - فروع کافی، ج ۵ ص ۱۵۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

